

## جعبه‌ی کلمات

### کلمات مترادف

مستجاب: پذیرفته شده	توفیق: سعادت	نمایان شد: <b>پیدا شد</b> - <b>در بره شد</b>
کامران: پیروز، موفق	ذات: وجود	استقبال: پیشواز
صواب: راست، درست	ذکر: یاد	قلم نوری: <b>قلم الیترنیلی</b>
مجازی: غیر واقعی	کژ: کج - <b>خطا</b>	فناوری: <b>استناد: از علم در کارها</b>
منع کردن: مانع شدن، باز داشتن	حامی: حمایت کننده	ریز نقش: <b>جایای جبهه و اندام صغیر</b>
قاضی: حاکم، داور	لفظ: کلام	منتقل: جابه‌جا شدن
ناظر: بینا	می‌سراییم: شعر می‌گوییم	فضل: بخشش
	دلشین: جذاب، زیبا و قشنگ	رحمت: <b>مهربانی</b>
	رطب: خرما	ثنا: ستایش

### کلمات متضاد

مجازی = واقعی	حاضر = غایب	مهربانی = نامهربانی
---------------	-------------	---------------------

### کلمات هم‌خانواده

فاضل، فاضل	مستجاب، اجابت	واقعی، واقعیت، واقعاً
توفیق، موفق، موفقیت	نفس، تنفس	انتقال، منتقل
رحمت، رحمان، رحیم، رحم	عمیق، عمق، اعماق	

دانش آموز باهوش با توجه به متن درس جاهای خالی را پر کن. سپس از روی آن به دوستت املا بگو.

باران، نم نم می بارید. مهتاب کیفیتش را برداشت و از خانه بیرون آمد. نفس ..... **بجیبی** ..... کشید و از هوای دلنشین بهاری ..... **لذت** ..... برد. پدرش تازه به این شهر، ..... **منتقل** ..... شده بود و این اولین روزی بود که او به مدرسه‌ی جدید می‌رفت. مدرسه‌ی جدید، دو کوچه با خانه‌ی آن‌ها ..... **فاصله** ..... داشت. وقتی وارد ..... **حیات** ..... مدرسه شد خودش را ..... **مبغری** ..... کرد. پس وارد کلاس شد. **رایانه** ای روی میز معلم بود و چیزی هم از سقف به تخته‌ی سفید جلوی کلاس، نور می تاباند. مهتاب با ..... **بمخاطبی** ..... و پرس و جو فهمید که آن، تخته ..... **هدیه** ..... است. دانش آموزان برای نوشتن روی تخته‌ی هوشمند به گچ ..... **احتیاج** ..... نداشتند؛ بلکه از ..... **قدیم نویری** ..... و گاهی از انگشتان دست، استفاده می‌کردند که برای مهتاب خیلی جالب بود.

الف: کلمه‌های مناسب را از درس پیدا کن و در جای خالی بنویس.

هفت حرفی	کتاب‌بارید - دوستانه‌اش - کنج‌فاری - انگشتان - قدم نویری
بدون نقطه	حصدا - مدرسه - درم - ملود - وارد - معلم - همراه
سه دندانه	نختر - مدرسه - شادکا - شود - رسم - حفظ کنش - خردس
پنج نقطه	دانش آموز - کشید - منتقل - داشت - برسد - پیامد

ب: نام هم کلاسی‌هایت را به ترتیب حروف الفبا بنویس. (۶ مورد)




# تمرین

۱ به حلزونها کمک کن هر کلمه را به پسوند مناسب برسانند.

۲ درستی  و نادرستی  جملات زیر را مشخص کرده و در صورت نادرستی، درست آنها را بنویس.

- الف: فناوری و پیشرفت علم کلرها را خطرناک کرده است.  کارها را آسان کرده است.
- ب: خواننده یعنی شخصی که چیزی را می گوید.  شخصی که چیزی را می خواند.
- پ: داستان مدرسه هوشمند در فصل زمستان رخ داده است.  در فصل بهار رخ داده است.
- ت: مخالف واژه «مابیان»، پنهان است.

۳ کلمه‌های هم معنی را هم رنگ کن.

۴ با توجه به واژه‌های زیر، در جاهای خالی کلمات مناسب بنویس.

یاب - ساز - دو - شکن

یاب + ...نده؟

ساز + ...نده

دو + ...نده

شکن + ...نده







۱۰ داستان خنده‌دار زیر را مرتب کن و جمله‌ها را بخوان.

۲ راننده کامیون از داخل آینه پشت سرش را دید.

۴ میزبان موری که دانه‌کش است / که جان دارد و جان شیرین خوش است،

۵ راننده کامیون با خود گفت: گناه دارد بگذارم تا از من سبقت بگیرد.

۱ روزی کامیون و یک اتومبیل ژبان در جاده حرکت می‌کردند.

۳ که ماشین ژبان می‌آید و روی شیشه‌ی آن نوشته شده بود:

۷ فلفل نبین چه ریزه بشکن ببین چه تیزه

۶ وقتی که اتومبیل ژبان از کامیون سبقت گرفت راننده نوشته پشت ژبان را خواند:

۱۱ مراحل نوشتن یک انشا با موضوع «هنر» را تکمیل کن.

الف: بند مقدمه را بنویس.

بند مقدمه دانش آموز

ب: برای موضوع کلی «هنر» سه موضوع کوچک‌تر بنویس.

بند مقدمه دانش آموز

پ: موضوع هر بند را بنویس:

بند اول: .....

بند دوم: .....

بند سوم: .....



با توجه به سؤالات داده شده، پاسخ مناسب را انتخاب کن.

الف: فعل کدام جمله مناسب است؟

- (۱) صدای شادی بچه‌ها او را به یاد دوستانش انداختند.
- (۲) باید کف دستت را روی آن بگذاری تا معلوم شود.
- (۳) شنیدن صدای دست‌های بچه‌ها و دیدن لبخند مهربان معلم، او را دلگرم و شاد می‌کردند.
- (۴) فناوری و پیشرفت‌های علمی، هر بیننده و شنونده را شگفت زده می‌کند. ✓

ب: مفهوم و معنی مثل «رطب خورده منع رطب می‌کند»، را در کدام گزینه می‌بینید؟

- (۱) کسی که خطایی مرتکب می‌شود، باید آن را بپذیرد.
  - (۲) کسی که خرما می‌خورد می‌خواهد دیگران هم بخورند.
  - (۳) کسی که کاری را انجام می‌دهد، نمی‌تواند دیگران را از انجام آن کار، منع کند. ✓
  - (۴) کسی که خرما می‌خورد می‌تواند به دیگران بگوید که خرما نخورند.
- پ: در میان کلمه‌های زیر، چند جفت کلمه، «هم معنی» اند؟

طقل - خرما - لفظ - فضل - کژ - مهربانی - کودک - رطب - زبان

(۴) پنج

(۳) چهار

(۲) سه ✓

(۱) دو



## خوانش و پردازش

متن زیر را بخوان و به پرسش‌ها پاسخ بده. ۱۴

می‌گویند یک شب هارون الرشید در خواب دید که همی دندان‌هایش به یکباره از دهانش بیرون ریخت. هارون برآشفته و وحشت‌زده از خواب پرید. صبح دستور داد خوابگزاری را به دربار بیاورند تا خواب او را تعبیر کند. خوابگزار پس از شنیدن خواب هارون، گفت: «زندگانی امیر دراز باد. همی نزدیکان و خویشان تو پیش از تو خواهند مُرد به طوری که هیچ کس باقی نخواهد ماند.» هارون خشکین شد و گفت: «این مرد را ببرد و صد ضربه‌ی چوب بزند!» بعد فرمان داد خوابگزاری دیگر را آوردند. خوابگزار دوم وقتی خواب را شنید، گفت: «تعبیر خواب چنین است که امیر عمری بسیار طولانی خواهند داشت. عمری بس طولانی‌تر از همی خویشان و نزدیکان.» هارون گفت: «سخن یکی استه ولی عبارت با عبارت فرق بسیار است. به این مرد صد دینار بدهید!»

«فوت کوزه‌گری»

الف: هارون الرشید چه خوابی دیده بود؟

حدیب دید دندان‌هایش ریخته است.

ب: چرا هارون الرشید خوابگزار اول را تنبیه کرد؟

دربی اینست: سخن جوهری بداشت.

پ: به نظر تو بین تعبیر خوابگزار اول و دوم چه فرقی وجود دارد؟ چرا؟

به عهدده داشت. اصناف

ت: کدام جمله‌ی داستان را می‌توان به عنوان ضرب‌المثل استفاده کرد؟

سخن بدی است، و گما برین عبارت با عبارت فرق بسیار است.